



The Function of the Culture of Anticipation and the Strategy of Governance by the Jurist*

Seyed Hassan Siadati¹ Hossein Elahinejad² 

1. Level 4, Explanatory Imamate, Specialized Center of Imamology, International Imamate Foundation, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

seiied33@gmail.com

2. Professor, Department of Future Studies of Religion and Religiosity, Research Institute of Mahdaviyat and Future Studies, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

h.elahinejad@isca.ac.ir

Abstract

Anticipation is the most significant and practical doctrine of Mahdaviyat. Depending on various perspectives, it is classified into different categories. Ontologically, it is divided into spiritual, verbal, emotional (heart-based), and practical anticipation. Epistemologically, it is categorized into individual and social anticipation. In terms of scope, it is divided into general and specific anticipation, and functionally, into positive and negative anticipation. Positive anticipation possesses various functions, foremost among which is the preparation for the Reappearance, at the pinnacle of which lies the governance of the Jurist. Regarding the relationship between anticipation and the governance of the Jurist, it must be stated that the

* Siadati, S. H., & Elahinejad, H. (2025). The Function of the Culture of Anticipation and the Strategy of Governance by the Jurist. *Mahdavi Society*, 6(2), pp. 100-121.

<https://doi.org/10.22081/jm.2026.75044.1146>

▣ **Type of article:** Research Article * **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/02/30 • **Revised:** 2025/03/30 • **Accepted:** 2025/05/22 • **Available Online:** 2025/09/23

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



role of the culture of anticipation for the governance of the Jurist is strategic; that is, beyond defining the goals, it also articulates the methods to achieve them. In other words, it demonstrates both the outcome and the process. In this paper, data were collected using library and documentary methods and analyzed through a descriptive-analytical approach to explain the diversity of anticipation, its key function of preparation, the practical and social nature of anticipation, and the strategic role of these two dimensions in the governance of the Jurist. The significant achievements of this research include the articulation of strategic policies and institutional mapping, which to some extent reveal extremism in promoting impractical and individualistic anticipation, as well as negligence in promoting practical and social anticipation within society.

Keywords

Culture of Anticipation, Practical Anticipation, Social Anticipation, General Deputyship, Function, Governance of the Jurist.



کارکرد فرهنگ انتظار و راهبرد حکمرانی ولی فقیه*

سید حسن سیادت^۱ حسین الهی‌نژاد^۲ 

۱. سطح چهار، امامت تبیینی مرکز تخصصی امام‌شناسی، بنیاد بین‌المللی امامت، قم، ایران (نویسنده مسئول).

seied33@gmail.com

۲. استاد، گروه پژوهشی آینده‌پژوهی دین و دین‌داری، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی،

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

h.elahinejad@isca.ac.ir

چکیده

انتظار مهم‌ترین و کاربردی‌ترین آموزه مهدویت است. انتظار با توجه به نگرش‌های مختلف، به اقسام گوناگونی تقسیم می‌شود. انتظار از نظر ماهیت‌شناختی، به انتظار روحی، قولی، قلبی و عملی، و از منظر رویکردشناختی، به انتظار فردی و اجتماعی، و از حیث گستره‌شناختی، به انتظار عام و خاص، و از نظر کارکردشناختی، به انتظار مثبت و منفی تقسیم می‌شود. انتظار مثبت دارای کارکردهای مختلفی است، از جمله بحث زمینه‌سازی ظهور که در رأس آن بحث حکمرانی ولی فقیه قرار دارد. درباره رابطه میان انتظار و حکمرانی ولی فقیه باید گفت که نقش فرهنگ انتظار برای حکمرانی ولی فقیه، راهبردی است؛ یعنی افزون‌بر هدف‌نمایی، راهکار رسیدن به هدف را نیز بیان می‌کند. به بیان دیگر، هم برآیند و هم فرایند را نشان می‌دهد. در مقاله حاضر، اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده و با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا متنوع‌بودن انتظار، زمینه‌سازی

* سیادت، سید حسن؛ الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۴). کارکرد فرهنگ انتظار و راهبرد حکمرانی ولی فقیه. جامعه مهدوی، ۶(۲)، صص ۱۰۰-۱۲۱.

<https://doi.org/10.22081/jm.2026.75044.1146>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



کارکرد مهم آن، کاربردی بودن انتظار عملی و اجتماعی، و نیز نقش راهبردی این دو ساحت در حکمرانی ولی فقیه تبیین شود. دستاوردهای مهم این پژوهش بیان سیاست راهبردی و نگاهت نهادی است که به نوعی بیانگر افراط‌گری در ترویج انتظار غیرعملی و فردی و نیز بیانگر تفریط‌گری در ترویج انتظار عملی و اجتماعی در جامعه است.

کلیدواژه‌ها

فرهنگ انتظار، انتظار عملی، انتظار اجتماعی، نیابت عام، کارکرد، حکمرانی ولی فقیه.

مقدمه

اندیشه مهدویت دارای آموزه‌های مختلفی است. انتظار از آموزه‌های مهم، مؤثر و پرکاربرد مهدویت است. انتظار تقسیم‌بندی‌ها و مراتب مختلفی دارد؛ به گونه‌ای که از یک سو به انتظار روحی، قلبی، قولی و عملی، و از سوی دیگر به انتظار مثبت و منفی، و در ابعادی دیگر به انتظار فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. هر کدام از انواع و اقسام انتظار دارای کارکردهای گوناگونی است که در میان این تقسیمات، انتظار عملی با رویکرد اجتماعی بیشترین کاربرد و کارکرد و تأثیرگذاری را بر جامعه اسلامی دارد. انتظار عملی با رویکرد اجتماعی عقبهٔ تئوریک حکمرانی ولی فقیه است؛ زیرا از سویی، حکمرانی ولی فقیه مبتنی بر نیابت عام، و نیابت عام مبتنی بر فرهنگ انتظار، و فرهنگ انتظار برخاسته از اندیشه مهدویت است و از سوی دیگر، انتظار نقش راهبردی برای حکمرانی ولی فقیه ایفا می‌کند؛ یعنی علاوه بر تعیین هدف، راهکار رسیدن به هدف را نیز برای حکمرانی مشخص می‌نماید. به بیان دیگر، انتظار برای حکمرانی ولی فقیه هم فرایند را تعریف و هم برآیند را نشان‌گذاری می‌کند. برآیند همان رسیدن به ظهور و جامعهٔ ایدئال مهدوی، و فرایند همان کاربست انتظار عملی با رویکرد اجتماعی در جامعه است؛ از این رو تحقیق پیش‌رو با این پرسش که انتظار چه نقشی در حکمرانی ولی فقیه، و حکمرانی ولی فقیه چه نقشی در زمینه‌سازی ظهور دارد، شروع می‌شود و سپس، مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری بحث بررسی می‌شود. در ادامه، مقاله در دو فصل تنظیم خواهد شد. در فصل نخست، به نقش راهبردی انتظار در حکمرانی ولی فقیه پرداخته می‌شود؛ نقشی که تحقق آن مستلزم دو امر است: نخست، تبیین انتظار براساس نگرش عملی؛ و دوم، تعریف آن با رویکرد اجتماعی. فصل دوم با عنوان «هدف‌نمایی انتظار» به دو محور اساسی می‌پردازد: نخست، تبیین نقش هدف‌نمایی انتظار در حکمرانی ولی فقیه؛ و دوم، بررسی زمینه‌سازی ظهور به عنوان کارکرد مهم حکمرانی ولی فقیه.

۱. مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری

۱-۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱-۱. انتظار

واژه انتظار از ریشه «نظر» و در باب افتعال به کار برده شده است. از مترادف‌های معنایی آن، تأنی و ترقّب است و در لغت، به معنای تأمل کردن، چشم‌داشتن، چشم‌به‌راه بودن و امیدوار بودن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۱۹). آنچه باعث تمایز این واژه از مترادف‌های آن می‌شود، وجود خاصیت «مطاوعه» در معنای آن است که به‌طور کلی از خصوصیات باب افتعال به شمار می‌رود. «مطاوعه» به معنای تأثیرپذیری است و بدین دلیل، معنای واژه انتظار برابر با «چشم‌به‌راه شدن» خواهد بود. از مطلب ذکرشده به این نتیجه می‌رسیم که «انتظار» حالتی وصفی است که بر شخص متأثر، یک سلسله اموری مرتب می‌شود و بین وی و آنچه منتظر آن است، رابطه تأثیر و تأثر برقرار است.

۱-۱-۲. کارکرد

محوری‌ترین مفهوم در نظریه کارکردگرایی، «کارکرد» است؛ مفهومی که در علم جامعه‌شناسی به معنای نتیجه و اثری است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط فراهم می‌کند (کولد و جولیوس، ۱۳۸۴، ص ۶۷۹). منظور جامعه‌شناسان از مفهوم کارکرد^۱ در اصطلاح کارکردگرایی^۲، اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارند (اسکیدمور، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲). اصطلاح کارکرد در حوزه‌های مختلف دارای معانی مختلفی است؛ برای نمونه، در ریاضی به معنی «تابع»، در زیست‌شناسی به معنی «فعالیت» یا «منشأ چیزی بودن»، در نظام اداری به معنی خدمت، وظیفه، کار، مجموعه تکالیف، پایگاه، مقام، شغل و حرفه، و در تبیین علّی امور به معنی اثر و نقش به کار می‌رود (اچ‌ترنر، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱). در حوزه علوم انسانی - اسلامی و در

1. Function.

2. Functionalism.

ادبیات علوم اجتماعی، واژه کارکرد در معانی مختلفی استفاده شده است: اثر و نقش، وظیفه، معلول، عمل، فایده، هدف، انگیزه، غایت، نیت، نیاز، نتیجه و حاصل. در بیشتر موارد، معانی یادشده به نحوی مکمل یکدیگرند (اسکیدمور، ۱۳۷۲، ص ۱۴۸). بی شک در این نوشتار، از واژه کارکرد، معنی عام برداشت می شود و به معنای اثر و نقشی است که انتظار برای باورمندان اسلامی به ارمغان می آورد.

اصطلاح کارکرد از نظر ماهیت شناختی به کارکردهای مثبت و منفی، و کارکردهای بالذات و بالتبع تقسیم می شود. از نظر گستره شناختی به کارکردهای عام و خاص، و از جهت متعلق و ظرف تحقق، به کارکردهای دنیوی و اخروی تقسیم می شود. هر کدام از این تقسیمات، بار معنایی خاصی دارد. مقوله کارکرد با نگرش خاص، ویژه مکتب کارکردگرایانه است و در جامعه شناسی کاربرد دارد؛ ولی در اصطلاح عام، به معنای «نقش»، «غایت»، «فایده»، «نتیجه» و ... است. براین اساس در این نوشتار از کارکرد، معنای عام اراده می شود؛ یعنی کارکرد از منظر ماهیت شناختی معنای عام، و از نظر گستره شناختی معنای مثبت مقصود است.

۱-۱-۳. راهبرد

راهبرد یا استراتژی (Strategy) به معنای تعیین اهداف، و طرح کردن برنامه ای برای رسیدن به آنهاست. به بیان دیگر، راهبرد، طرح درازمدتی است که برای نیل به یک هدف بلندمدت مشخص طراحی و تبیین می شود و به معنای برنامه ریزی جهت رسیدن به عالی ترین اهداف و موفقیت در همه زمینه هاست. پس راهبرد دارای دو عنصر اصلی به نام فرایند و برآیند است که فرایند همان برنامه ریزی، و برآیند همان هدف که برای رسیدن به آن، طرح و برنامه ارائه می شود.

۱-۱-۴. فرهنگ

شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگ را نظام واره ای از باورها و مفروضات اساسی، ارزش ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه دار و دیرپا تعریف می کند که از طریق نمادها و

مصنوعات به ادراکات، رفتارها و مناسبات جامعه جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲، ماده ۱).

نظام‌واره‌ای که در فرهنگ وجود دارد، شامل همه شئون انسان اعم از فردی و اجتماعی می‌شود. براین اساس، فرد در بستر زندگی جمعی و در سایه مشترکات فرهنگی، به نوعی یگانگی با اعضای گروه دست می‌یابد؛ زیرا همان گونه که یک فرد دارای یک «خود» است، یک ملت به علت داشتن فرهنگ مشترک، یک «خود ملی» پیدا می‌کند.

۱-۵. حکمرانی ولی فقیه

حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت، الگو و مدلی از حکمرانی اسلامی است که براساس اندیشه مهدویت شکل گرفته است. این حکمرانی با رویکرد زمینه‌سازی ظهور، به سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری، تمهیدگری و راهبری جامعه و شهروندان برای رسیدن به آمادگی، شایستگی و بایستگی برای تحقق ظهور می‌پردازد. به بیان دیگر، حکمرانی ولی فقیه در جامعه عصر غیبت یعنی اجرا و اعمال قدرت در چارچوب مردم‌سالاری دینی که غایت آن، ارتقای آمادگی و شایستگی اجتماعی جهت زمینه‌سازی برای تحقق ظهور است.

۲. مبانی و ادبیات نظری

مبانی و ادبیات نظری، گزاره‌های هستی‌شناسانه‌ای هستند که زیربنای نظری بحث را شکل می‌دهند. به بیان دیگر، مبانی، پیش‌فرض‌هایی هستند که پایه‌ها و زیرساخت‌های یک علم، اندیشه یا باور را مهیا می‌کنند؛ به طوری که می‌توان از آن‌ها مسائل و مباحث را به صورت منطقی، استنتاج و نتیجه‌گیری کرد. برای نمونه، در اینجا در بحث «کارکرد فرهنگ انتظار در راهبرد حکمرانی ولی فقیه»، مبانی ذیل مطرح است: (۱) انواع و مراتب انتظار؛ (۲) تأثیرگذاری انتظار مثبت و عالی در حکمرانی ولی فقیه؛ (۳) رابطه دوسویه میان فرهنگ انتظار و حکمرانی ولی فقیه.

۲-۱. انواع و مراتب انتظار

مقوله انتظار تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارد: از نظر ماهیت شناختی انتظار عام و خاص، از نظر رویکرد شناختی انتظار اجتماعی و فردی، از نظر کارکرد شناختی انتظار مثبت و منفی، و از نظر گستره شناختی انتظار روحی، قلبی، قولی و عملی. در این پژوهش، در میان تقسیمات مختلف انتظار فقط به برخی از آنها توجه می‌شود؛ یعنی در ماهیت شناختی انتظار به انتظار خاص، در رویکرد شناختی انتظار به انتظار اجتماعی، در کارکرد شناختی انتظار به انتظار مثبت، و در گستره شناختی انتظار به انتظار عملی توجه می‌شود (الهی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص ۱۰۹).

انتظار عام: انتظاری است که متعلق آن عام و مطلق است؛ به این معنا که امید به گشایش هر نوع مشکلی، اعم از مادی و معنوی، دنیایی و آخرتی، فردی و اجتماعی و... را در بر می‌گیرد.

انتظار خاص: انتظاری است که متعلق آن خاص است، نظیر انتظار ظهور امام زمان عج. هرچند با ظهور امام زمان عج همه مشکلات فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و آخروی مردم برطرف می‌شود، ولی متعلق انتظار خاص، خاص و مقید است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۲۶).

انتظار مثبت: انتظاری است که دارای سه عنصر اساسی نظیر ناراضی بودن از وضعیت موجود، دیدن وضعیت مطلوب و حرکت به سوی آن.

انتظار منفی: انتظاری است که از عناصر سه گانه بالا به‌طور کلی و یا از برخی از آنها به‌طور جزئی بی‌بهره است؛ برای نمونه، از وضعیت موجود راضی است یا اگر ناراضی است، وضعیت مطلوب را رصد نمی‌کند و اگر رصد کرده است، به‌سوی آن گام برنمی‌دارد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۲۸).

انتظار اجتماعی: انتظاری که قسیم انتظار فردی است و با نگرش جمعی و اجتماعی توجیه می‌شود، نظیر انتظار سیاسی، انتظار فرهنگی و ...

انتظار عملی: انتظار عملی قسیم انتظار روحی، قولی و قلبی است که به‌طور سلسله‌مراتبی، انتظار قولی از انتظار روحی بالاتر، و انتظار قلبی نیز از انتظار قولی بالاتر

است. انتظار عملی که نوع چهارم انتظار است، به عنوان سرآمد و اوج انتظار، عالی ترین نوع آن‌ها به شمار می‌آید.

بنابراین در این نوشتار از میان گونه‌های مختلف انتظار، بر آن قسم تمرکز می‌شود که با چهار مؤلفه اصلی تبیین می‌شود: رویکرد اجتماعی، رویکرد مثبت، رویکرد خاص و رویکرد عملی.

۲-۲. رابطه دوسویه میان حکمرانی ولی فقیه با فرهنگ انتظار

این طور نیست که تنها فرهنگ انتظار در حکمرانی ولی فقیه مؤثر باشد و با کارکردهایی نظیر علت فاعلی و پیشران، علت غایی و هدف‌نمایی، مقبولیت‌سازی و مشروعیت‌بخشی، نقش ایفا کند، بلکه اصل حکمرانی ولی فقیه و تشکیل نظام اسلامی در عصر غیبت نیز با کارکردهایی نظیر معرفت‌افزایی، ترویج فرهنگ مهدویت، گسترش زمینه‌سازی و آمادگی، توسعه انتظار مثبت و نهادینه‌سازی انتظار عملی در ساحت اجتماع، به تقویت و تعمیق این فرهنگ می‌پردازد.

نقش حکمرانی ولی فقیه در معرفی اندیشه مهدویت و انتظار، نقش بی‌بدیل و موثری است. این مهم، از راه‌های مختلفی انجام می‌شود: (۱) ولی فقیه، نماینده و جانشین امام زمان (عج) در اصل حکمرانی است که خود این نمایندگی و نایب‌بودن، معرفی امام زمان (عج) به عنوان منوب عنه است. (۲) اجرای حکمرانی و پیاده کردن قوانین و مقررات در جامعه عصر غیبت براساس اندیشه مهدویت، بیانگر نمونه کوچکی از آن حکمرانی متعالی در مقیاس جهانی است. این نمونه هرچه بهتر طراحی و اجرا شود، اشتیاق و علاقه مردم به حکمرانی متعالی امام زمان (عج) بیشتر می‌گردد.

پس میان فرهنگ انتظار با حکمرانی ولی فقیه نسبت تعاملی و دوسویه برقرار است و هر کدام به صورت هم‌افزایی در تعالی و تکامل یکدیگر نقش ایفا می‌کنند.

نقش فرهنگ انتظار در عصر غیبت، نقش مهمی است؛ به گونه‌ای که همه ساحات زندگی منتظران اعم از زیست فردی و اجتماعی، و در زیست اجتماعی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دینی، تمدنی و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما در زیست سیاسی،

فرهنگ انتظار با چهار کارکرد بنیادین در حکمرانی ولی فقیه نقش آفرینی می‌کند: پیشران، مشروعیت‌بخش، مقبولیت‌ساز، و هدف‌نما و غایت‌ساز. پس به‌طور کلی کارکرد فرهنگ انتظار در قالب دو مقوله علت فاعلی و علت غایی مطرح است. علت فاعلی پیشرانی، مشروعیت‌بخشی و مقبولیت‌سازی، و علت غایی هدف‌نمایی برای حکمرانی ولی فقیه است.

۲-۲-۱. فرهنگ انتظار؛ پیشران حکمرانی ولی فقیه

حکمرانی ولی فقیه امتداد نظریه ولایت فقیه است که خود از نظریه نیابت عام سرچشمه می‌گیرد. این نظریه نیز برآمده از فرهنگ انتظار است؛ فرهنگی که ریشه در اندیشه مهدویت دارد و در نهایت، از شریعت اسلام نشئت می‌گیرد. پس حکمرانی ولی فقیه با سه واسطه از سوی اندیشه مهدویت، و با چهار واسطه از سوی دین اسلام پشتیبانی می‌شود؛ یعنی اصل و ریشه حکمرانی ولی فقیه به اندیشه مهدویت و اسلام بازمی‌گردد. براین اساس، می‌توان ادعا کرد که اسلام و اندیشه مهدویت خاستگاه و پیشران حکمرانی ولی فقیه است. در این نوشتار، تنها به اندیشه مهدویت پرداخته می‌شود. برای تحقق این امر، لازم است دو نکته اساسی بررسی شود: نخست، چیستی نیابت عام که خاستگاه مباشر اندیشه ولایت فقیه و حکمرانی ولی فقیه است؛ و دوم، نقش اساسی فرهنگ انتظار در تحقق حکمرانی ولی فقیه. شایان ذکر است چنان‌که بیان شد، انتظار به انواع مختلف (روحی، قولی، قلبی و عملی) و به اقسام گوناگونی (مثبت و منفی، عام و خاص، فردی و اجتماعی) تقسیم می‌شود. راهبرد و هدف‌نمابودن انتظار برای حکمرانی ولی فقیه، زمانی معنا پیدا می‌کند که عملی، مثبت و اجتماعی باشد.

۲-۲-۱. چیستی نیابت عام

پنهان‌زیستی امام زمان علیه السلام زمینه‌ساز دو نوع غیبت صغرا و کبرا شده است. این دو نوع غیبت در ساحت‌های مختلفی از یکدیگر متفاوت و متمایزند؛ برای مثال، از نظر زمان، یکی کوتاه‌مدت و دیگری بلندمدت است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ؛ برای قائم دو غیبت است که یکی از آن دو کوتاه و دیگری بلندمدت می‌باشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۴۰).

و از نظر کیفیت، یکی ناقص و دیگری کامل است؛ چنانچه امام زمان علیه السلام در نامه‌ای که به علی بن سمری می‌نویسد درخصوص غیبت کبرا می‌فرماید: «فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ؛ غیبت کامل اتفاق افتاده است» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۱۶). از نظر نمایندگی و اداره جامعه، یکی بر عهده نایبان خاص و دیگری بر عهده نایبان عام است؛ چنان که امام زمان علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ؛ در رخدادها به راویان احادیث ما رجوع کنید که ایشان حجت من بر شما هستند» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۹۱). از نظر ارتباط و دسترسی به امام، یکی دسترسی آسان و دیگری دسترسی سخت است. پس از جمله تفاوت‌های مهم میان غیبت صغرا و کبرا، بحث نیابت و اداره جامعه است که نیابت خاص متعلق به عصر غیبت صغرا و نیابت عام متعلق به عصر غیبت کبرا است. در نیابت خاص، تعیین نایب از سوی امام زمان علیه السلام به صورت مستقیم با اسم مشخص انجام می‌شود؛ ولی در نیابت عام، نایب با اوصاف و شاخصه‌ها که در روایات آمده است، مشخص و متعین می‌شود؛ یعنی حضرات معصومان علیهم السلام در تعیین نایبان برای عصر غیبت کبرا به افراد متعینی اشاره نمی‌کنند، بلکه به بیان اوصاف و ویژگی‌هایی می‌پردازند و هرکسی که با عالی‌ترین درجه به آن اوصاف و ویژگی برسد، شایسته آن مقام و جایگاه خواهد بود. پس حضرات معصومان علیهم السلام از طریق احادیث و روایات، شاخصه‌هایی را در قالب نیابت عام مطرح فرمودند. چنان که امام حسن عسکری علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاةٍ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقْلَدُوا؛ هر یک از دین‌شناسان که خویشتندار، حافظ دین، مخالف هوای نفس و فرمانبردار امامش باشد، بر افراد امت است که از وی تقلید کنند» (طبرسی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴۵۸). بیان این شاخصه‌ها به این جهت است که مردم در عصر غیبت، دچار سرگردانی نشوند و با میزان قرارداد آن‌ها بتوانند رهبران دینی خود را انتخاب کنند. پس نظریه نیابت عام که در واقع، تعیین‌کننده نایبان و شاخصه‌های آن‌ها در عصر غیبت است،

به نوعی توجیه گر و پیشران نظریه ولایت فقیه و حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت است.

۲-۲-۱-۲. نقش انتظار عملی در حکمرانی ولی فقیه

واژه انتظار از نظر چیستی و ماهیت شناختی، دارای وحدت مفهومی و تغایر مصداقی است؛ یعنی همه مراتب انتظار اعم از انتظار روحی، قولی، قلبی و عملی و همه انواع انتظار اعم از مثبت و منفی، عام و خاص، و فردی و اجتماعی، به صورت تساوی تشکیکی به نام انتظار شناخته می شوند، نظیر واژه نور که همه انواع و اقسام آن به صورت تساوی تشکیکی به عنوان نور نام گذاری می شوند. پس نور شمع، نور لامپ، نور ماه و نور خورشید در اصل نور بودن مساوی هستند؛ ولی از نظر مصداقی، تفاوت زیادی دارند که نمی توان نور شمع را با نور ماه و یا نور ماه را با نور خورشید هم سطح دانست و مقایسه کرد. براین اساس، در بحث انتظار، مصداق انتظار روحی را که پایین ترین نوع انتظار است، نمی توان هم سطح با انتظار عملی که عالی ترین نوع انتظار است، دانست. همچنین مصداق انتظار مثبت با انتظار منفی، و مصداق انتظار عام با انتظار خاص هم سطح نیستند و از نظر مصداقی، کارکردی و کاربردی، میان آن ها تفاوت اساسی وجود دارد. بنابراین مقوله انتظار از نظر مفهومی، وحدت، و از نظر مصداقی، تغایر دارند.

در روایات معصومین علیهم السلام آمده که انتظار عملی عالی ترین نوع انتظار است و مسلمانان باید به این نوع انتظار التزام داشته باشند؛ چنان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ بهترین اعمال امت من انتظار فرج از خدای عز و جل است» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۴). در حدیثی دیگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «انْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ؛ منتظر فرج (آل محمد) باشید و از رحمت خداوند نومید نشوید؛ زیرا که بهترین اعمال در نزد خداوند، انتظار فرج است» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۰). امام کاظم علیه السلام می فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ؛ بافضلیت ترین عبادت بعد از معرفت، انتظار فرج است» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۰۳). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام کاظم علیه السلام در روایات بالا

جایگاه انتظار را بسیار والا دانسته و آن را تنها یک وصف و شاخصه محض تلقی نکرده‌اند، بلکه به منزله بافضلیت‌ترین عمل و عبادت تعریف نموده‌اند. چنان‌که بیان شد، انتظار با رویکرد ماهیت شناختی به اقسام چهارگانه انتظار روحی، قلبی، قولی و عملی تقسیم می‌شود. این اقسام چهارگانه از منظرِ ساحۃ تحقق، در سه حوزه روان، جوارح و جوارح طبقه‌بندی می‌شوند. انتظاری که مربوط به جوارح انسان است به دو قسم انتظار قولی و انتظار عملی تقسیم می‌شود. در میان اقسام مختلف انتظار آن انتظاری که مربوط به جوارح است، مقصود روایات است. در میان دو قسم انتظار جوارحی یعنی انتظار قولی و انتظار عملی، انتظار عملی عالی‌ترین انتظار شناخته می‌شود؛ زیرا براساس داده‌های روایی که انتظار را افضل اعمال و عبادات دانسته‌اند، قابل توجیه است.

امیر مؤمنان (علیه السلام) در پاسخ به پرسش‌های سائلی می‌فرماید: «قَالَ فَأَيُّ الْمَصَائِبِ أَشَدُّ قَالَ الْمُصِيبَةُ بِالْدِّينِ قَالَ فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ قَالَ فَأَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ أَحْوَفُهُمْ لِلَّهِ وَ أَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى وَ أَرْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا ...؛ کدام مصیبت سخت‌تر است؟ فرمود: مصیبت در دین. کدام عمل پیش خدا محبوب‌تر است؟ فرمود: انتظار فرج. کدام مردم نزد خدا بهترند؟ فرمود: ترس‌اتر و با تقواترشان و زاهدترشان در دنیا ...» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۳۹۵؛ قضاعی، بی‌تا، ص ۱۰۳).

در میان انواع مختلف انتظار، انتظار عملی عالی‌ترین، موثرترین و کاربردی‌ترین نوع قلمداد می‌شود؛ زیرا در تحقق حکمرانی ولی فقیه در جامعه منتظران، نقشی تعیین‌کننده‌تر از انواع روحی، قولی و قلبی ایفا می‌کند. از همین رو، در سنن روایی نیز بیشترین تأکید و توصیه معصومین (علیهم السلام) بر همین نوع از انتظار است.

۲-۱-۳. نقش انتظار اجتماعی در حکمرانی ولی فقیه

چنانچه بیان شد، انتظار به اقسام مختلفی تقسیم می‌شود که یکی از اقسام آن، انتظار فردی و اجتماعی است. گرچه انتظار فردی و اجتماعی، هر دو مهم و تأثیرگذار است، انتظار فردی بستر ساز و پایه‌گذار انتظار اجتماعی است و منتظران با انتظار فردی به مرتبه

انتظار اجتماعی می‌رسند. از نظر ماهیت شناختی، ماهیت انتظار بیشتر جنبه اجتماعی دارد. از نظر غایت شناختی، غایت و کمال انتظار فردی به انتظار اجتماعی است. از نظر جامعه‌شناسی، رویکردهای اجتماعی نظیر رویکرد سیاسی و فرهنگی و تمدنی و ... همه با انتظار اجتماعی معنا پیدا می‌کنند. براین اساس می‌توان ادعا کرد که با انتظار اجتماعی می‌توان منتظران و جامعه منتظر را به‌سوی زمینه‌سازی و آمادگی برای تحقق ظهور هدایت کرد، مشروعیت و مقبولیت حکمرانی ولی فقیه را در جامعه توجیه نمود و پایه‌ها و مبانی نظریه ولایت فقیه و حکمرانی فقیه را تحکیم بخشید. پس در این سلسله‌مراتب، انتظار اجتماعی به مثابه بستری برای حکمرانی ولی فقیه عمل می‌کند و خود حکمرانی ولی فقیه نیز تمهیدگر تحقق ظهور امام زمان علیه السلام است؛ چنان‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی به این امر اشاره کرده و انتظار اجتماعی را در قالب ولایت‌پذیری و دشمن‌شناسی که یک رویکرد اجتماعی است، تعریف می‌کند:

طَوْبَى لِمَنْ أَذْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدِرٌ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَ يَتَّبِعُ مَنْ عَدُوَّهُ وَ يَتَوَلَّى الْأَيْمَةَ الْهَادِيَّةَ مِنْ قَبْلِهِ أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَ دَوُو وَدِي وَ مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي؛ خوش به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک می‌کند؛ درحالی که پیش از قیامش از وی پیروی می‌نموده، دوست او را دوست می‌داشته و از دشمنش بیزاری می‌جسته و تمام ائمه قبل از او را دوست داشته است. آن‌ها رفیقان و دوستان من و گرامی‌ترین امت من می‌باشند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۵۶).

امام سجاد علیه السلام در بیان ویژگی‌های منتظران و جامعه منتظر در عصر غیبت می‌فرماید:

الْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْنَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُحْلُصُونَ حَقًّا وَ شَيْعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سِرًّا وَ جَهْرًا؛ مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا فرموده است

که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدین پیش روی رسول خدا ﷺ که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند، قرار داده است. آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۲۰).

همچنین در این خصوص امام موسی کاظم می‌فرماید:

طَوَّبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَانِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طَوَّبَى لَهُمْ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خوش به حال آن دسته از شیعیان ما که در غیبت قائم ما چنگ به دوستی ما زده، و بر محبت ما ثابت می‌مانند و از دشمنان ما بیزاری می‌جویند، آن‌ها از ما، و ما از آن‌ها هستیم. آن‌ها به ما امامان دل بسته‌اند و ما نیز آن‌ها را شیعیان خود می‌دانیم و از آن‌ها خشنود می‌باشیم، خوش به حال آن‌ها. به خدا قسم آن‌ها در روز قیامت در درجه ما خواهند بود (خزاز، ۱۴۰۱ق، ص ۲۶۹).

پس مردمان عصر غیبت بهترین امت پیامبر اسلام ﷺ هستند؛ زیرا اول اینکه، در زمان ظهور، توفیق درک و همراهی امام زمان ﷺ را دارند. دوم اینکه، منتظران در عصر غیبت با حضور در صحنه و مشارکت اجتماعی، مزین به شاخصه‌های انتظار عالی و اجتماعی نظیر اقتداگری، ولایت‌پذیری، شناخت دشمنان و دوری‌جستن از آن‌ها، رضایت و خشنودی امام زمان ﷺ و دوستی و مودت‌ورزی به ایشان را دارند.

روایات بالا که منتظران در عصر غیبت را توصیف می‌کند، هرچند به هر دو ساحت فردی و اجتماعی انتظار توجه دارند، ولی تأکید اصلی آن‌ها بر شاخصه‌های انتظار اجتماعی است. مؤلفه‌هایی نظیر ولایت‌پذیری، کسب رضایت امام، دوستی و مودت با امام، اقتدا و همراهی با ایشان، دشمن‌شناسی و دوری‌جستن از آن‌ها، در کنار مجاهدت و تبلیغ دین (به صورت مخفی و آشکار)، همگی بیانگر نوع عالی انتظار یعنی انتظار عملی، و رویکرد عالی انتظار یعنی انتظار اجتماعی هستند.

در نتیجه، با انتظار عملی و اجتماعی، نظریه ولایت فقیه و حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت سامان می گیرد.

۲-۲-۲. فرهنگ انتظار؛ هدف‌نمای حکمرانی ولی فقیه

هر جامعه‌ای همیشه براساس ارزش‌ها، باورها، آرمان‌ها، بایدها و نبایدهای تجویزی و هنجاری، هدف‌گذاری می‌شود. جامعه ولی فقیه نیز براساس ارزش‌های مهدوی نظیر فرهنگ انتظار ارزش‌گذاری می‌شود؛ از این رو جامعه ولی فقیه با دستمایه انتظار به دنبال زمینه‌سازی ظهور، تحقق ظهور و در پی آن، جامعه متعالی مهدوی است. به بیان دیگر، هر جامعه‌ای به‌طور کلی و جامعه ولی فقیه به‌طور خاص دارای ارزش‌ها و باورهایی در قالب «هست‌ها» و «بایدها» است. وضعیت موجود هر جامعه‌ای معطوف به هست‌های آن جامعه، و وضعیت مطلوب آن معطوف به بایدهای آن جامعه است؛ از این رو فرهنگ انتظار، منتظران و جامعه منتظر را از وضعیت موجود عبور می‌دهد و به‌سوی وضعیت مطلوب که همان ظهور و جامعه ایدئال مهدوی باشد هدایت می‌کند.

منتظران و جامعه منتظر با اعتقاد به انتظار، به دنبال اهداف سه‌گانه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت هستند. فرهنگ انتظار، منتظران را در هدف کوتاه‌مدت، به‌سوی آمادگی و زمینه‌سازی، و در هدف میان‌مدت، به‌سوی تحقق ظهور هدایت می‌کند و در هدف بلندمدت، نیل به جامعه ایدئال مهدوی را در دستور کار خود دارد. پس اهدافی که فراروی منتظران و جامعه منتظر قرار دارد، با فرهنگ انتظار عالی، سامان می‌گیرد. انتظار عالی همان انتظاری است که با نگرش عملی و با رویکرد اجتماعی تعریف شده باشد.

امام خامنه‌ای در این خصوص در بخش دوم بیانیه گام دوم انقلاب، توصیه‌هایی را برای رسیدن به آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یعنی نیل به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی بیان می‌فرماید؛ توصیه‌هایی نظیر علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. جامعه منتظر برای رسیدن به جامعه

منتظر باید به زمینه‌سازی پردازد و براساس بیانات مقام معظم رهبری زمینه‌سازی ظهور نیز در قالب مؤلفه‌های بالا قابل دستیابی است.

۳. زمینه‌سازی ظهور هدف اولیه حکمرانی ولی فقیه

ظهور بسان هر حادثه دیگر زمینی که در تاریخ بشریت و مرتبط با عملکرد و کارکرد بشر تحقق می‌یابد، نیاز به مقدمات و بسترهای تمهیدی دارد. فراهم آوردن مقدمات و بسترهای تمهیدی که از آن به زمینه‌سازی ظهور تعبیر می‌شود، در شکل‌ها و قالب‌های مختلف و با فعالیت‌ها و فاعل‌های گوناگون اجرایی می‌شود. این تمهیدات از سه منظر خداوند، امام و انسان قابل تبیین هستند. البته نقطه ثقل بحث در اینجا در میان تمهیدات سه‌گانه، تمهیدات بشری است؛ زیرا در تحقق بسترهای تمهیدی مربوط به خدا و امام جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست. براین اساس درباره این دو بستر تمهیدی در اینجا بحث و گفت‌وگو انجام نخواهد شد، بلکه نقطه ثقل بحث در این نوشتار، درباره نقش مردم در بسترسازی ظهور و تحلیل کمیت، کیفیت و چگونگی فعالیت آن‌ها در نزدیک‌سازی ظهور است. اوج این بسترسازی و نزدیک‌سازی ظهور در قالب حکمرانی ولی فقیه به‌عنوان حکمرانی زمینه‌ساز، خودش را نشان می‌دهد. در بیان تحلیل کمیت و کیفیت زمینه‌سازی و ارتباط آن با ظهور دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. برخی افراد به بی‌ارتباطی میان زمینه‌سازی با رخداد ظهور نظر داده و ظهور و زمینه‌سازی را دو مقوله جدا از هم تصور کرده‌اند که یکی امر زمینی و مربوط به فعل بشر و دیگری امر آسمانی و مربوط به فعل خداست (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷). از این رویکرد، برآیندی غیر از نفی نقش مردم در زمینه‌سازی ظهور به دست نمی‌آید؛ پیامدی که به گسترش روحیه بی‌مسئولیتی در سطح جامعه دامن می‌زند. برخی ظهور را به‌مثابه یک حادثه زمینی بسان دیگر حادثه‌های بشری تلقی کرده و نقش مردم را در آن نقش پررنگ و تأثیرگذار دانسته‌اند؛ اما رابطه فعل و نتیجه را در این مورد قبول ندارند؛ یعنی اعتقاد ندارند که میان زمینه‌سازی و رخداد ظهور رابطه تلازم برقرار است و تحقق زمینه‌سازی سبب تقرب‌سازی ظهور و رخداد زود هنگام آن می‌گردد. برخی ظهور را یک امر طبیعی و

زمینی می‌دانند و نقش مردم را در زمینه‌ساز آن مهم تلقی می‌کنند؛ ولی زمینه‌سازی را با ابزار نامقدس به نام اشاعه گناه، نافرمانی، تعدی و نابرابری دست‌یافتنی می‌پندارند؛ به گونه‌ای که این کارها مردم را به ستوه می‌آورد و در اثر آن، ظلم در جامعه فراگیر می‌شود و زمینه‌سازی اتفاق می‌افتد. در این نگرش، اگرچه اصل زمینه‌سازی و نقش کلیدی مردم پذیرفته شده است و رابطه میان زمینه‌سازی و ظهور به مثابه رابطه فعل و نتیجه قلمداد می‌گردد - که در آن، تحقق زمینه‌سازی و نصاب لازم سبب تقرب زمانی ظهور و تحقق آن خواهد شد -، ولی نقطه انحراف در اینجا، کاربست ابزار نامقدس (فراگیری ظلم و گناه) برای تحقق امر مقدس (ظهور) است. این نگرش در واقع، برساخته‌ای از همان دیدگاه ناپسندی است که با عنوان «هدف وسیله را توجیه می‌کند» شناخته می‌شود. براساس این نگرش، منتظران نباید به دنبال کارهای خوب و اصلاحات اجتماعی که در رأس آن‌ها تشکیل حکمرانی اسلامی است، بروند و نباید بسترسازی و تقرب‌سازی ظهور را با نگاه مثبت توجیه کنند. آخرین نگرش که به نظر جامع‌ترین و کامل‌ترین نگرش است، و نظریه مختار نیز بر همین استوار است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۳۶)، دارای شاخصه‌ها و مؤلفه‌های ذیل است:

- ظهور امری زمینی و طبیعی است.
- بشر لیاقت و توان زمینه‌سازی برای ظهور را دارد.
- براساس فرمایشات معصومین (ع) (فاستبقوا الخیرات)، بشر به زمینه‌سازی ظهور مکلف شده است.
- میان زمینه‌سازی ظهور و رخداد ظهور رابطه وثیقی وجود دارد.
- رابطه میان آن دو رابطه فعل و نتیجه است.
- رابطه میان زمینه‌سازی و ظهور رابطه تلازمی (وجودی و عدمی) است.
- زمان ظهور نامشخص و متغیر است و با تحقق زمینه‌سازی، قابلیت تقدم، و عدم آن، قابلیت تأخر را دارد.
- حکمرانی ولی فقیه اوج آمادگی و بسترسازی ظهور است.
- حکمرانی ولی فقیه با انتظار عملی و با رویکرد اجتماعی به دست می‌آید.

نتیجه‌گیری

فرهنگ انتظار مؤثرترین و کاربردی‌ترین آموزه‌های مهدویت است. این فرهنگ دارای آموزه‌های مختلفی است که زمینه‌سازی، یکی از آنهاست. زمینه‌سازی ظهور، از مسائل و مباحث مهم انتظار است که نگرش‌های مختلفی درباره آن در میان کارشناسان مهدویت مطرح شده است. در میان اقوال و انظار گوناگونی که در این خصوص مطرح شده است و در متن مقاله بدان اشاره شد، بهترین و دقیق‌ترین دیدگاه این است که انتظار، عامل شکل‌گیری حرکت‌ها و نهضت‌های اجتماعی در جوامع اسلامی است و به نوعی عقبه تئوریک حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت به شمار می‌آید. براین اساس، از اهداف مهمی که از ناحیه انتظار تأمین شده است و از راهبردهای انتظار به شمار می‌آید، بحث آمادگی اجتماعی و زمینه‌سازی ظهور است. بی‌شک این هدف راهبردی تحقق پیدا نمی‌کند، مگر اینکه نخست، انتظار عالی که مهم‌ترین و کاربردی‌ترین نوع انتظار است، در جامعه اجرا شود؛ دوم، انتظار اجتماعی که مهم‌ترین و کاربردی‌ترین رویکردهای انتظار است، در جامعه عصر غیبت نهادینه‌سازی گردد. بنابراین فرهنگ انتظار برای حکمرانی ولی فقیه، نقش راهبردی ایفا می‌کند؛ یعنی هم هدف‌نمایی می‌کند و هم راهکار ارائه می‌دهد. به بیان دیگر، هم برآیند و هم فرایند را نشان می‌دهد که در واقع، منتظران از طریق فرایند، راهکار رسیدن به برآیند را به دست می‌آورند.

نگاشت نهادی

در پایان لازم است به نگاشت نهادی و سیاست راهبردی که از متن مقاله برداشت می‌شود، بپردازیم. چنانچه بیان شد، انتظار عقبه تئوریک حکمرانی ولی فقیه است. انتظار به دو رویکرد فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. انتظاری که عقبه تئوریک حکمرانی ولی فقیه است، انتظار اجتماعی است. امام خمینی با انقلاب و تشکیل دولت اسلامی، و مقام معظم رهبری با تداوم آن، رویکرد اجتماعی انتظار را در جامعه به منصفه ظهور رساندند؛ ولی متأسفانه اکنون در جامعه و نهادهای دینی بیشتر انتظار با رویکرد فردی

مطرح است. از وظایف مهم حوزه‌های علمیه و مبلغان و کارشناسان دینی، از جمله نهادهایی نظیر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت ارشاد، نهادهای تبلیغی و فرهنگی و نیز سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی این است که فرهنگ انتظار را با رویکرد اجتماعی در جامعه ترویج کنند تا انتظار به‌طور فراگیر و همه‌جانبه در همه ابعاد و زوایای اجتماعی به‌صورت فرهنگ غالب، نهادینه و گفتمان‌سازی شود.

فهرست منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن. (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد. (۱۴۱۶ق). لسان العرب (ج ۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسکید مور، ویلیام. (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی. تهران: نشر سفید.
- الهی نژاد، حسین. (۱۳۹۵). انتظار در اهل سنت. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- الهی نژاد، حسین. (۱۴۰۰). جلوه‌های مفهومی انتظار با نمای قانون توافقی و تشکیک، مشرق موعود، ۱۵ (۵۸)، صص ۱۰۵ - ۱۱۶.
- الهی نژاد، حسین. (۱۳۹۷). مردم و زمینه‌سازی ظهور. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بنی‌هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). رازپنهانی و رمز پیدایی. تهران: نیک معارف.
- ترنر، جانان‌تان اچ. (۱۳۸۲). ساخت نظریه جامعه‌شناسی (مترجم: عبدالعلی لهسانی زاده). شیراز: نوید شیراز.
- خزاز قمی، علی. (۱۴۰۱ق). کفایة الأثر. قم: انتشارات بیدار.
- صدوق، محمد. (۱۴۰۰ق). امالی الصدوق. بیروت: علمی.
- صدوق، محمد. (۱۳۹۵ق). کمال‌الدین. تهران: اسلامی.
- صدوق، محمد. (۱۳۶۲). خصال. قم: جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد. (۱۴۱۱ق). الغیبة. قم: دار المعارف الاسلامیه.
- کلینی، محمد. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۲ق). الاحتجاج. مشهد: نشر مرتضی.
- قضاعی، محمد بن سلامه. (بی‌تا). دستور معالم الحکم. قم: مکتبه المفید.
- گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام. (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر پرهام). تهران: مازیار.